محمدرضا رهبریان
کارشناس زبان و ادبیات فارسی و دبیر دبیرستان‌ها و مراکز پیش‌دانشگاهی قم

حضور حیوانات در متون

در کتاب‌های درسی دوره‌ی متوسطه متن‌هایی آمده است که حیوانات یا پرندگان در آن‌ها خودنمایی می‌کنند. جالب این‌که از این درس‌ها و متن‌ها بیش از محتوا و پیامشان، این نقش و شخصیت حیوانات است که ذهن و خاطر بچه‌ها را تسخیر می‌کند و از میان انبوه کتاب‌ها و متن‌ها، این درس‌ها در حافظه‌ی آن‌ها ماندگار می‌شود؛ به‌ویژه متن‌هایی که در دوره‌ی ابتدایی و راهنمایی خوانده‌اند و بی‌گمان در دوره‌ی دبیرستان نیز چنین است. این نشان‌گر آن است که درس‌ها و متن‌هایی که با حضور حیوانات و پرندگان پیش می‌روند، آموزنده‌تر و جالب توجه‌ترند. بعضی متون کتاب‌های درسی که حیوانات در آن‌ها نقشی دارند، عبارت‌اند از:

۱. داستان **شیر و گاو** از کلیله‌ودمنه در سال سوم انسانی

۲. داستان **عدل** از صادق چوبک در کتاب زبان فارسی ۳، رشته‌ی ریاضی و تجربی

۳. قسمتی‌هایی از داستان **سی‌مرغ** یا منطق‌الطیر عطار در سال سوم انسانی

۴. داستان **طوطی و بازرگان** از مثنوی مولوی در سال سوم انسانی

۵. **کلاس نقاشی** از سهراب سپهری در سال اول دبیرستان

۶. داستانی به نام **ققنوس** در سال سوم ریاضی و تجربی.

۷. داستان **گاو** از غلامحسین ساعدی در سال سوم ریاضی و تجربی

۸. داستان **طوطی و بقال** از مثنوی مولوی در سال اول دبیرستان (پیش از این، داستان دیگری در کتاب سال‌های قبل بود که آن هم حکایتی بود که در آن شیر و گرگ و روباه به اتفاق به‌شکار می‌روند. هرچند پیام و مضمون این حکایت برای دانش‌آموزان سال اول دبیرستان قابل هضم نبود اما شخصیت حیوانات در ذهنشان خوب می‌ماند.)

۹. داستانی دیگر از **منطق‌الطیر** در سال سوم تجربی و ریاضی که درباره‌ی پروانه‌ی بی‌پروا سخن می‌گوید.

۱۰. داستان **کبوتر مطوقه** از کلیله‌ودمنه در سال سوم ریاضی و تجربی

۱۱. شعر از **ماست که بر ماست** از ناصر خسرو در سال سوم تجربی و ریاضی

۱۲. شعر **زاغ و کبک** از جامی در سال سوم تجربی

و ... .

برای آشنایی با آثار بیش‌تر و پیشینه‌ی حضور حیوانات در آثار ادبی، مختصری در این گفتار می‌آید.

حضور حیوانات و اشیا در داستان، شیوه و شگردی است که تازگی و توانایی خاصی به اثر می‌بخشد. دست‌کم، از حضور تکراری و یک‌نواخت شخصیت‌های انسانی می‌کاهد و اثر را جذاب و متنوع می‌کند. استفاده از جانوران در آثار ادبی و شخصیت‌بخشیدن به آن‌ها، پیشینه‌ی درازی دارد و در قلمرو ادبیات، نوعی ادبی را به‌وجود آورده است که از آن با عنوان «فابل» (Fable) یاد کرده‌اند. در تعریف این نوع ادبی گفته‌اند:

«فابل در اصطلاح ادبی، داستان ساده و کوتاهی است که معمولاً شخصیت‌های آن حیوانات هستند و هدف آن آموختن و تعلیم یک اصل و حقیقت اخلاقی یا معنوی است. البته فابل گاهی نیز برای داستان‌های مربوط به موجودات طبیعی یا وقایع خارق‌العاده و افسانه‌ها و اسطوره‌های جهانی و داستان‌های دروغین و ساختگی به کار می‌رود. شخصیت‌ها در فابل اغلب حیوانات‌اند اما گاهی اشیای بی‌جان، موجودات انسانی یا خدایان هم در آن حضور دارند» (تقوی، ۱۳۷۶: ۹۲).

حکایت‌های حیوانات همیشه و برای مردمان هر نسل و روزگاری کشش و جذابیت خاصی داشته است. حتی بسیاری از نویسندگان، عارفان و فیلسوفان برای تعلیم و تبلیغ اندیشه‌ها و عقاید خود از زبان حیوانات و گونه‌ی تمثیلی بهره برده‌اند. معمولاً حیوانات با ویژگی‌های انسانی در نظر گرفته و سنجیده می‌شوند؛ برخی خیراندیش و نیکوکردارند و گروهی خوی اهریمنی و شراندیشی دارند. «مثلاً قهرمانان به‌صورت حیواناتی با خصوصیات ممتاز و پسندیده یا شخصیت‌های شریر با صفاتی ناپسند و نکوهیده ظاهر می‌شوند.

دوشیزگان معصوم به هیئت کبوتر و قو و خرگوش درمی‌آیند و آدم‌های بی‌رحم و حیله‌گر به شکل لاش‌خور و روباه و گرگ» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۸۴).

بنابر نوشته‌های پژوهش‌گران و صاحب‌نظران، نخستین گونه‌های فابل را در سروده‌های افسانه‌ای ودا می‌توان جُست؛ چه، در بیش‌تر افسانه‌ها و حکایت‌های ودا جانوران هم‌چون آدمیان سخن می‌گویند و رفتار می‌کنند. در ادبیات غرب، این رشته از داستان با **ازوپ**، فابل‌نویس یونانی (۶۲۰ تا ۵۶۰ ق.م) شروع شده است. پس از ازوپ باید از **هوراس**، شاعر رومی (۶۵ تا ۸ ق.م) یاد کرد که پیرو ازوپ بود و فابل‌هایی دل‌انگیز از خود به یادگار گذاشته است. برجسته‌ترین فابل‌نویس دوره‌ی رنسانس، **ادموند اسپنسر**، شاعر انگلیسی (۱۵۵۹-۱۵۵۲ م) است. قصه‌های مادر هابرد (۱۵۹۱.م) مجموعه‌ای از فابل‌های اسپنسر است که به شیوه‌ی فابل‌های سده‌های پیشین پدید آمده است. در همین دوره، **جان درایدن**، شاعر انگلیسی (۱۷۰۰-۱۶۳۱م) با بهره‌گیری از تمثیل‌های حیوانی در مناظره‌های جدی مذهبی، در سال ۱۶۸۷میلادی فابل‌های حیوانی را زنده کرد. با این همه، سرآمدِ فابل‌نویسان غربی، **ژان دولافونتن**، شاعر و فابل‌نویس فرانسوی (۱۶۹۵-۱۶۲۱م) است که نخستین مجموعه‌ی فابل‌هایش در سال ۱۶۶۸ میلادی به چاپ رسید. وی در مجموعه فابل‌هایی که طی بیست‌وپنج سال گرد آورد، از طرح و شیوه‌ی ازوپ و مضامینی چون هجو دربار، دیوان‌سالاری، کلیسا، بورژوازی و همه‌ی مسائل و مشکلات زندگی بشری بهره جسته است. فابل‌های لافونتن، ازجمله زاغک و روباه و گرگ و بره، تابلوهایی بزرگ از تجربه‌های انسانی‌اند. فابل‌های لافونتن به گفته‌ی خودش ریشه در پنچه‌تنترا دارند.[1] در روسیه، ایوان **اندره‌ویچ کریلف** (۱۸۴۴-۱۷۶۹م) در این زمینه از شهرت

بی‌گمان پرآوازه‌ترین اثر منظومی که پرندگان در آن نقش اصلی دارند، منطق‌الطیر عطار (۶۱۸-۵۴۰ق) است که در آن حکایتی تمثیلی و نمادین از زبان پرندگان نقل می‌شود؛ پرندگانی که می‌بایست برای دست‌یابی به سیمرغ، با رهبری و راهنمایی هدهد از هفت وادی پرمخاطره گذر کنند

بسیاری برخوردار است. گفته می‌شود «خاصیت برجسته‌ی حکایات منظوم کریلف این است که زندگی عصر و محیط خود، و معایب زننده و برجسته‌ی مردان مقتدر روزگار خود را نمایش داده و گفتار و رفتار و کردارشان را به جانوران نسبت داده است و به همین جهت روح ادبی در آن‌ها پایدارتر و زنده‌تر است» (تقوی، ۱۳۷۶: ۱۱۰). دیگر نویسنده‌ی روسی که از داستان‌های حیوانات برای انتقاد از مفاسد اجتماعی و مطرح کردن عقاید خود کمک گرفته است، **سالتیکوف شچدرین** (۱۸۸۹-۱۸۲۶م) است. این هجونویس روسی در مجموعه حکایات خود، در قالب داستان‌های حیوانات به طرح مباحث انتقادی پرداخته است. از نمونه‌های دیگر و البته خوب و خواندنی فابل‌نویسی، می‌توان به رمان **قلعه‌ی حیوانات** اثر **جرج اورول** نویسنده‌ی انگلیسی (۱۹۵۰-۱۹۰۳م.)، داستان **جوجه اردک زشت** اثر **هانس کریستیان آندرسن**، داستان‌نویس دانمارکی (۱۸۷۵-۱۸۰۵م.)، و **سلطان بوزینگان** اثر **آلکسی میخاییلوویچ رمیزوف**، فابل‌نویس روسی (۱۹۵۷-۱۸۷۷م.) اشاره کرد.[۲]

حضور حیوانات و اشیا در داستان، شیوه و شگردی است که تازگی و توانایی خاصی به اثر می‌بخشد. دست‌کم، از حضور تکراری و یک‌نواخت شخصیت‌های انسانی می‌کاهد و اثر را جذاب و متنوع می‌کند

البته فابل هنوز از رواج و رونق نیفتاده بلکه به شکل کارتون‌های تلویزیونی عرصه‌ی وسیعی را برای سرگرمی و آموزش مسائل اخلاقی و آموزشی و اجتماعی فراهم آورده است. می‌توان گفت که پرماجراترین فیلم‌های کارتونی که در ذهن و رویای کودکان، به‌ویژه بچه‌های دهه‌ی شصت و هفتاد ایرانی، نقش بسته است، برنامه‌هایی هستند که حیوانات در آن‌ها نقش و حضور داشته‌اند.[۳]

البته در دنیای رسانه‌ها و نفوذ رایانه‌ها در روح و زندگی مدرن انسان‌های امروزین و پیچیدگی‌های ناشی از آن، افزون بر حضور پررنگ حیوانات، رُبات‌ها و آدم‌های آهنی، ماشین‌ها، هواپیماها و سفینه‌های فضایی نیز نقشی گسترده و جدی پیدا کرده‌اند. ماشین‌ها و محصولات آهنی و فضایی حرف می‌زنند، اعمال و رفتارهای انسانی از خود نشان می‌دهند و به‌دنبال خیر و شرند؛ به‌ویژه در برنامه‌های کارتونی و پویانمایی (انیمیشن) که نقش بی‌چون‌وچرایی در دنیای سرگرمی‌ها و بازی‌های کودکان دارند.

در فرهنگ و ادب فارسی آثار نسبتاً فراوانی وجود دارد که در آن‌ها به‌نحوی از حیوانات و پرندگان استفاده شده است. در این میان، پیش از هر اثر دیگر می‌توان از افسانه‌ی منظوم **درخت آسوریک**، که شرح مناظره‌ی یک درخت و یک بز به زبان پهلوی است، نام برد. پس از ترجمه‌ی کتاب **پنچه تنترا** از زبان سانسکریت به فارسی، آثار زیادی نوشته شده است که حیوانات و جانوران در آن نقش داشته‌اند. البته بسیاری از این آثار را نمی‌توان فابل دانست ولی به‌دلیل بهره‌گیری از شخصیت و نقش حیوانات، آن‌ها از توجه و اقبال بیش‌تری برخوردار بوده‌اند.

ابن‌سینا اولین کسی است که معراج روح را از عالم خاک به سوی افلاک، در رمز پرواز مرغ و عبور او از کوه‌ها بیان کرده است. **قصیده‌ی عینیه**‌ی وی نفس را به‌صورت مرغی نشان می‌دهد که از عالم عُلوی هبوط کرده و گرفتار دامِ تن شده است (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۴۱۳). بوعلی‌سینا هم‌چنین در **رساله‌الطیر** (نگارش ۴۱۲ ق به عربی) خود که یادآور داستان کبوتران «باب‌الحَمامَه المُطَوّقه» در **کلیله‌ودمنه** است، جماعتی از صیادان را نشان می‌دهد که به صحرا می‌آیند و دام می‌گسترند و قهرمان داستان، که خود مرغی است در میان گله‌ی مرغان، روی به دام‌گاه می‌آورد و با بقیه‌ی مرغان، اسیر دام می‌گردد (همان: ۴۱۳). بعد از ابن‌سینا باید از **امام محمد غزالی** (وفات ۵۰۵ ق) یاد کرد که در رساله‌الطیر سفر روحانیِ عارف را به‌صورت داستان مرغانی که در جست‌وجوی عنقا سفر آغاز می‌کنند، به رشته‌ی تحریر درآورده است. غزالی این رساله را به عربی نوشته است اما برادرش، **خواجه احمد غزالی** (۵۲۰ ق)، از این رساله ترجمه‌ای به فارسی به دست داده که به **رساله‌الطیر** معروف است و بارها چاپ شده است. متن فارسی این رساله که درباره‌ی پرندگان است، مفصل‌تر و شیواتر از متن عربی آن است. اثر دیگر، **لغت موران** از **شیخ شهاب‌الدین سهروردی** (۵۸۷-۵۴۹ق) است با ده داستان نمادین که پاره‌ای از آن‌ها از زبان شخصیت‌هایی چون لاک‌پشت، هدهد، خفاش و پرندگان دیگر بیان می‌شوند (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۴۱). سهروردی در **رساله‌ی عقل سرخ** خود نیز از پرنده به‌عنوان رمزِ روح و نفسِ ناطقه‌ی انسانی استفاده کرده است. در داستانِ «عقل سرخ» پرنده‌ای که اسیر دام می‌شد، باز است (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۴۲۴).

شیخ اشراق، که به‌راستی قصه‌نویس چیره‌دستی است، در اثر دیگری با عنوان **قصه‌ی مرغان**، که ترجمه‌ای از آثار ابن‌سینا یا امام محمد غزالی است، به ماجرای مرغانی می‌پردازد که «ابتدا به دام می‌افتند و پس از رهایی و عبور از کوه‌های نه‌گانه، به پیشگاه مَلِک می‌رسند. هنوز بندی بر پاهای مرغان است که نتوانسته‌اند آن را بردارند. خود ملک هم، بند را برنمی‌دارد اما پس از شنیدن داستان آن‌ها و شرح اسارتشان، رسولی با آن‌ها می‌فرستد تا به آن‌که بند بر پای آن‌ها گذاشته است، بگوید که بند را بردارد» (همان: ۱۸).

پس از این آثار باید از ارزش‌مندترین اثر فابل‌نویسی در زبان فارسی، **کلیله‌ودمنه**، نوشته‌ی **نصرالله منشی** (ترجمه‌ی کتاب ۵۳۶ تا ۵۳۹ ق) یاد کرد از ترجمه‌ی عربی **عبدالله‌بن مقفع** که خود برگردان عربی از ترجمه‌ی پهلوی اثری در اصل هندی بود که به فارسی نقل شده است. این اثر که مجموعه داستان‌هایی از زبان جانوران است، به‌راستی از شاهکارهای فابل‌نویسی در ادبیات فارسی محسوب می‌شود.

کلیله‌ودمنه در تعلیم آموزه‌های اخلاقی، اندرزی و حکیمانه بی‌تردید در جامعه‌ی زبان فارسی بُرد و نفوذ فراوانی داشته و همواره به اَشکال گوناگون، به نظم و نثر در ادب فارسی روایت شده است. **مرزبان‌نامه** اثر دیگری است مشتمل بر حکایت‌های پندآموز که از زبان جانوران و به شیوه‌ی کلیله‌ودمنه نوشته شده است. این اثر ابتدا به دست **اسپهبد مرزبان‌بن رستم‌بن شروین** در اواخر سده‌ی چهارم هجری به لهجه‌ی طبری نوشته شد و سپس دو تن در سده‌ی ششم آن را به فارسی ترجمه کردند. نخستین آن دو، **محمدبن غازی ملطیوی** است که آن را با عنوان **روضه‌العقول** در سال ۵۹۸ق ترجمه کرده و دیگری **سعدالدین وراوینی** است که اثر خود را با عنوان **مرزبان‌نامه** نوشته است.

بی‌گمان، پرآوازه‌ترین اثر منظومی که پرندگان در آن نقش اصلی دارند، **منطق‌الطیر عطار** (۶۱۸-۵۴۰ق) است که در آن حکایتی تمثیلی و نمادین از زبان پرندگان نقل می‌شود؛ پرندگانی که می‌بایست برای دست‌یابی به سیمرغ، با رهبری و راهنمایی هدهد از هفت وادی پرمخاطره گذر کنند.[۴] چنین به‌نظر می‌رسد که اجتماع مرغان و هیاهویشان بر سر انجام دادن کاری، در ادبیات فارسی نمونه‌ها و نشانه‌های دیگری دارد و با شباهت‌ها و تفاوت‌هایی روایت شده است که در نوع خود جالب و خواندنی است و اوج آن در **منطق‌الطیر** عطار است که خود برگرفته از آثار دیگری پیش از خود است. نمونه‌های دیگری از اجتماع مرغان یکی **رساله‌الطیر** امام محمد غزالی است که پیش‌تر به آن اشاره شد؛ اثری که بر محور اجتماع مرغان و اتفاق آنان برای یافتن پادشاهی عنقاست. خاقانی شروانی نیز قصیده‌ای دارد به نام **منطق‌الطیر** که دارای دو مطلع است. مطلع اول آن وصف صبح و مدح کعبه است، و در مطلع دوم مجلس باغ را توصیف می‌کند که در آن، گروهی از مرغان گرد هم می‌آیند و هریک گُلی و درختی را می‌ستاید و بر گفته‌ی خود دلیل می‌آورد. پس از آن‌که عنقا را به داوری برمی‌گزینند، عنقا می‌گوید: اگرچه همه‌ی گل‌ها زیبا و دل‌کش‌اند اما گل سرخ، نغزتر و نیکوتر از همه است؛ زیرا عرق روی مصطفی است.

«باب‌البوم و الغُربان» کلیله‌ودمنه بی‌گمان منبع و مأخذ آثاری چون منطق‌الطیر عطار و قصیده‌ی خاقانی بوده است. مطابق آن‌چه در کلیله‌ودمنه آمده است، مرغان جمع می‌شوند و اتفاق می‌کنند بر این‌که بوم را بر خویشتن امیر گردانند که کلاغی سر می‌رسد و با بیان زشتی‌ها و بی‌کفایتی بوم، پرندگان را از برگزیدن وی به امیری منصرف می‌کند و همین امر باعث کدورت و کینه‌ورزی بین زاغ و بوم می‌شود.[۵] زان‌پس می‌توان به رساله‌ی هفدهم از **جسمانیات طبیعیات** رسائل **اخوان‌الصفا** اشاره کرد. طرح داستان رسائل اخوان‌الصفا چنین است:

گروهی از حیوانات از ظلم انسان به پادشاه بنی‌جن «بیراست» شکایت می‌برند و او فرمان می‌دهد تا حیوانات و طیور جمع شوند و در حضور او مباحثه کنند. وقتی رسول ملک به پادشاه طیور، که شاه مرغ است، می‌رسد ندا درمی‌دهد تا اصناف طیور بر و بحر نزد او جمع شوند. آن‌گاه که نوبت سخن به طوطی می‌رسد، او خود را زعیم گروهی از پرندگان معرفی می‌کند و سپس می‌گوید که پادشاه آن‌ها عنقای مغرب است. پادشاه از جایگاه او سؤال می‌کند و طوطی جواب می‌دهد که جایگاه او بر کوه‌های بزرگ و بلند در جزیره‌ی بحر اخضر است که دست هیچ‌کس به آن‌جا نرسیده است. سپس، طوطی وصف جزیره و عنقا را برای ملک می‌گوید (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۴۲۳).

البته عطار به غیر از منطق‌الطیر، در دیگر آثار خود نظیر **الهی‌نامه** و **اسرارنامه** و **مصیبت‌نامه** نیز حکایاتی نغز درباره‌ی آهو، باز، زنبور، گرگ، کرم، شتر و موش و صعوه دارد که هر کدام بیان‌گر رمزی از رموز عرفانی است.

جلال‌الدین محمد بلخی (۶۷۲-۶۰۴ ق) در شش دفتر **مثنوی معنوی** به پیروی از مثنوی‌های عطار و سنایی و به شیوه‌ی حکایت در حکایت، به بیان تمثیلی تعالیم عرفانی پرداخته است. جانوران در بسیاری از این حکایت‌های تمثیلی حضور دارند که حکایت‌های «طوطی و بازرگان»، «شیر و نخجیران»، قصه‌ی «روباه و شیر و خر»، قصه‌ی «آهو در آخور خران»، قصه‌ی «شکار رفتن شیر و گرگ و روباه» از آن شمارند. البته بسیاری از این حکایت‌ها در آثار گذشتگان چون کلیله‌ودمنه به نظم کشیده شده‌اند و مولوی با برداشت‌ها و شیوه‌های بیانی و تمثیلی خود، آن‌ها را نقل کرده است. هم‌چنین **چهل طوطی** داستانی است عامیانه و مجموعه‌ای از چهل حکایت است که طوطی‌ای آن‌ها را در چهل روز برای زنی که همسرش به سفر رفته، نقل می‌کند تا او را از افتادن به دام پیر زالی که قصد فریبش را دارد، باز دارد. این اثر نخستین‌بار به قلم **عمادالله فقیر** در سال ۱۹۲۷میلادی در پاریس چاپ شد. چهل طوطی خود اقتباسی از **طوطی‌نامه** است که اصل آن سانسکریت بوده اما بارها به فارسی تحریر شده و به ادب فارسی راه یافته است. **موش و گربه** دیگر اثری است که در آن حیوانات به شکل نمادین و تمثیلی در قصیده‌ی انتقادی **عبید زاکانی** (قرن هشتم) نقش‌آفرینی می‌کنند. این اثر بی‌شک از عالی‌ترین آثار طنزآمیز و عمیق فارسی و چیزی است که در ادبیات غرب «الگوری»[۶] شمرده می‌شود. آثار دیگری چون **حدیقه‌ی** سنایی، **پنج‌گنج** نظامی، **بوستان** و **گلستان** سعدی، **بهارستان** جامی، **روضه‌ی خلد** مجد خوافی و **جوامع‌الحکایات** محمد عوفی نیز به شکل پراکنده از زبان حیوانات حکایت‌هایی در خود دارند. هم‌چنین چند سروده‌ی **ایرج‌میرزا** (۱۳۳۴-۱۲۹۱ق) که برخی از آثار

لافونتن را به فارسی ترجمه کرده است؛ نظیر شعر «شیر و موش»، «کلاغ و روباه»، «دو صیاد» و «دو موش» و نیز مثنوی معروف و زیبای «عقاب و زاغ» از پرویز ناتل خانلری و «مناظره‌ی زاغ و طاووس» از پروین اعتصامی.

در شعر نو نیز **نیما یوشیج** در اشعاری چون «مرغ آمین»، «ققنوس» و «غراب»، و **مهدی اخوان‌ثالث** (۱۳۶۹-۱۳۰۷هـ‌ش) در شعرهای «قصه‌ی شهر سنگستان»، «سگ‌ها و گرگ‌ها» و «بازگشت زاغان» از حیوانات استفاده کرده‌اند.

حضور حیوانات در داستان فارسی معاصر بی‌گمان بی‌شمار و فراوان بوده و در شکل‌ها و به شیوه‌های متفاوتی به‌کار رفته است؛ از ژانر فابل‌نویسی گرفته تا هم‌زیستی انسان با حیوان، یا روایت داستان از نظرگاه حیوانات که در یک چشم‌انداز کلی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

نیما یوشیج (۱۳۳۸-۱۲۷۴هـ‌ش) در داستان‌هایی چون **توکایی در قفس**، و **آهو و پرنده‌ها** از عناصر فابل به‌خوبی بهره برده است. او در این داستان‌ها پیام تمثیلی خود را در قالب داستان‌های حیوانات ارائه می‌کند. چند حیوان در جست‌وجوی آب، غازی را به راهنمایی برمی‌گزینند اما غاز به مرور، مقام سرکردگی می‌یابد و حاصل تلاش‌های همگان را از آن خود می‌کند. عاقبت، غاز سفیدی از راه می‌رسد و با نویدهایش حیوانات را به تفکر برمی‌انگیزد (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۱۸۲).

صادق هدایت (۱۳۳۰-۱۲۸۲هـ‌ش) در «قضیه‌ی خر دجال» با بهره‌گیری از عناصر فابل به هجو و طنزی جان‌دار از دستگاه حکومت دست می‌زند. «استعمار درصدد دست‌یابی به گوهر شب‌چراغ (نفت) کشور «خر در چمن»، عامل خود را به شکل روباه دم‌بریده روانه‌ی آن‌جا می‌کند و او «دَوالپای لندهور» (رضاشاه) را به جان گوسفندها می‌اندازد. در این افسانه، مردم گوسپندانی هستند که برای این‌که از «چریدن علف» نیفتند، سلطه‌ی هر قلدری را می‌پذیرند (همان: ۱۷۸).

محمدعلی جمال‌زاده (۱۳۷۶-۱۲۷۰هـ‌ش) نیز داستانی در مایه‌ی طنز دارد با عنوان «گفت‌وگوی دو پشه» که در آن با به‌کار بردن شیوه‌ی داستان حیوانات، غرور و خودپسندی بشر را به انتقاد گرفته است: «دو پشه سخت مشغول بحث در مقولات و درباره‌ی کاینات هستند که پشه‌ی سوم و عارف‌مسلکی وارد بحث می‌شود. حضرات پشه‌ها نزدیک است هم‌دیگر را بزنند که ناگهان ادرار کردن یک موش هر سه را چون سیلی در میان می‌گیرد و غرقشان می‌کند. در آخر داستان می‌بینیم که جسد پشه‌ها غذای دو مورچه شده است که ضمن خوردن آن‌ها، حرف‌های گنده‌گنده می‌زنند و بحثی در مابعدالطبیعه می‌کنند» (مجله‌ی الفبا: شماره‌ی ۴).

احسان طبری در داستان «شغال‌شاه» از زبان حیوانات، اختناق حاکم بر ایران در عصر رضاشاه را بازگو کرده است. زمان داستان، ماقبل تاریخ و مکان آن سرزمین فرضی «ماکیان» است: «ماکیان طعمه‌ی شغال‌شاه‌اند تا این‌که روزی کلاغی زخمی از سرزمین همسایه به سرزمین آن‌ها می‌آید و در خانه‌ی خروسی شجاع ساکن می‌شود. کلاغ پس از بهبودی، به آگاه کردن ماکیان‌ها می‌پردازد. خروس شجاع راه کلاغ را ادامه می‌دهد و بر سر آن جان می‌بازد. هنگامی که کشور ماکیان دچار تحولاتی می‌شود، شغال‌شاه از بین می‌رود و زندگی شادی آغاز می‌شود» (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۱۸۰).

جلال آل‌احمد (۱۳۴۷-۱۳۰۲) در داستانی با عنوان **سرگذشت کندوها** با نگاهی تمثیلی به توصیف زندگی زنبورهای عسل پرداخته است. کمند علی‌بک بی‌هیچ زحمت و کوششی از شیره‌ی جان زنبورها بهره‌برداری می‌کند و زنبورها به نشان اعتراض به وضع موجود، چاره‌ای جز این نمی‌بینند که به سرزمین دیگری کوچ کنند.

دیگر **نادر ابراهیمی** (۱۳۷۸-۱۳۱۵) است که می‌کوشد با انسانی کردن اشیا و حیوانات، مفهومی اجتماعی به آثار خود ببخشد. ابراهیمی در فابل‌های خود از ورای کنایه‌هایی درباره‌ی حیوانات، به توصیف شرارت‌های اجتماعی می‌پردازد. در داستان «خانواده‌ی بزرگ» پرنده‌ای اسیر قفس، زندگی‌اش را برای مرغی تعریف می‌کند که به‌زودی ذبح می‌شود. داستان «دشنام» ماجرای سنجابی است که به خاطر دشنام‌دادن به شیر، از جنگل رانده می‌شود و هیچ‌جا پناهی نمی‌یابد تا عاقبت به زیر چرخ گاری می‌رود و می‌میرد. در داستان «کبوتر چاهی به خانه‌ات برگرد» کبوتری که به‌دنبال جفتش همه‌جا را می‌گردد، او را با کبوتر دیگری در حال پرواز می‌یابد؛ کبوترِ نومید، تن خسته‌ی خود را تسلیم باد می‌کند.

نمونه‌ی دیگر، داستان «موش و پستو» نوشته‌ی **اپرام شهیدی** است و آن داستان موشی است که آرزو دارد از پستوی تنگ و تاریک بگریزد. روزهای بسیار نقب می‌زند اما چون به‌جایی نمی‌رسد به پستو بازمی‌گردد.

عباس حکیم نیز در داستان «کبوتر» از مجموعه‌ی «گل ریواس»، کبوترانی را تصویر می‌کند که اضطراب دائم، زندگی‌شان را تهدید می‌کند.

از دیگر کسانی که به فابل‌نویسی توجه داشته، **ایرج پزشک‌نیا** (۱۳۴۰-۱۳۱۰) است که چند افسانه‌ی زیبا از نظرگاه حیوانات می‌نویسد. وی در داستان‌های «خرگوش‌ها» و «پرواز» زندگی را شکارگاه پرخطری توصیف می‌کند که در آن قوی‌ترها در کار شکار ضعیفان‌اند. «خرگوش‌ها» از دید دو خرگوش کوچک روایت می‌شود. پزشک‌نیا در صحنه‌ای زیبا و عاطفی، نفرت خود را از شکار نشان می‌دهد.

در داستان «پرواز»، قناری‌ای که از قفس آزاد شده است، با شادی به پرواز درمی‌آید تا شب می‌شود، خسته و ترسان، در تاریکی پناهی نمی‌یابد. می‌خواهد بر بامی بنشیند اما از گربه می‌ترسد؛ عاقبت درحالی‌که آرزوی بازگشت به قفس را دارد، خود را به باد می‌سپارد.

امیر گل‌آرا (متولد ۱۳۰۷) در داستانی به نام «بزی» به بن‌بست رسیدن آرزوهای آدمیان را در فابلی از زندگی یک بز بازمی‌گوید: بز به زندگی می‌اندیشد اما نمی‌داند که همراه گله به سوی قصاب‌خانه روانه است (همان: ۳۶۴-۳۳۸).

داستان بلند شهر هشتم نوشته‌ی **محمد قاسم‌زاده** (متولد ۱۳۳۴) اثری است متشکل از شخصیت‌های غیر انسان، و پرندگان شخصیت اصلی آن هستند. این داستان نقیضه‌ای از داستان مرغان منطق‌الطیر عطار است. پرندگان با هدایت هدهد، سفر خود را آغاز می‌کنند اما رخدادهای راه سخت و دشوار، آنان را در مسیری می‌اندازد که هیچ پیش‌بینی نمی‌کردند. هر بخش داستان از قول پرنده‌ای روایت می‌شود. لحن طنزآلود داستان جالب توجه است.

ناگفته روشن است که در داستان امروز فارسی، نمونه‌های زیادی وجود دارد که در آن‌ها حیوانات در مجاورت و هم‌زیستی با انسان توصیف شده‌اند. حیواناتی که یا با برخورد خشونت‌بار و آزارنده‌ی انسان روبه‌رو شده‌اند یا در سایه‌ی ترحم و دوستی آدمی قرار گرفته‌اند.

غلامحسین ساعدی (۱۳۶۴-۱۳۱۴) در داستان پنجم «عزاداران بَیَل» به جدال دل‌سوزی و خشونت آدم‌های روستا نسبت به حیوان می‌پردازد. عباس، قهرمان داستان که بی‌کس و بی‌کار است، دلش را به مراقبت از سگی ولگرد و پیر و مردنی خوش می‌کند؛ تا آن‌جا که کار و زندگی خود را رها می‌کند تا جواب‌گوی عاطفه‌ی این سگ شود اما بَیَلی‌ها برای رفع بلا نقشه‌ای سوار می‌کنند تا سگ را بکشند؛ پس در فرصتی به بهانه‌ی زن دادن عباس، او را در خانه‌ی اسماعیل سرگرم گفت‌وگو می‌کنند و در دل تاریکی، پسر مشدی‌صفر با هم‌دستی بَیَلی‌ها، خشونت انسانی خود را به نمایش می‌گذارد.

البته از داستان «گاو» غلامحسین ساعدی که قصه‌ی چهارم عزاداران بَیَل را دربردارد، نباید گذشت که در آن، وابستگی بیش از حد مشدی‌حسن به گاوی که تنها سرمایه‌ی اوست، مرگ حیوان را برایش باورناپذیر می‌کند؛ بنابراین، روح گاو در وجود او حلول می‌کند و او را مسخ و از خودبیگانه می‌سازد.

دیگر اثری که در آن حیوان یا پرنده‌ای محور اصلی است، داستان «خروس» از **ابراهیم گلستان** (متولد ۱۳۰۱) است. اثری که در سال ۱۳۴۹ نوشته و در سال ۱۳۷۴ در لندن منتشر شده است. ماجرای داستان چنین است:

«خروس که بانگش همواره در خانه طنین‌انداز است، پَر می‌گشاید و بر بزِ گچ‌مال شده در خانه، که حرمتی دارد و سنتی پشتوانه‌ی آن است، فضله می‌اندازد. خروس چون نماد آگاهی و اخطار، توقع جنبندگی و بیداری را برمی‌انگیزد؛ یعنی، آن‌چه آرزوی راوی است. همه‌ی اهل خانه به فرمان ناخدا در پی خروس می‌دوند. سنگ‌هایی که آنان برای خروس پرتاب می‌کنند، به بز می‌خورد و آن درهم می‌شکند و ارباب خرافاتی را در بیم وقوع حادثه‌ای ناگوار قرار می‌دهد. اطرافیان به فرمان او مثل خروس آواز می‌خوانند و بال می‌زنند. جدا از آنان، پسرکِ ساکت و تنها و همواره مورد عتاب ارباب، در اتاق دَم‌کرده مدام بادبزن را به حرکت درمی‌آورد... داستان پس از اسارت و کشته‌شدن خروس از نفس می‌افتد» (همان: ۷۸۳ و ۷۸۴).

داستان «مرغ پاکوتاه» از **نجف دریابندری** (متولد ۱۳۰۸) ماجرای آدم‌های ساکن خانه‌ای است که هریک بدبختی خاصی دارند و در فقر و بیچارگی جان می‌دهند. آن‌ها تلافی همه‌ی نتوانستن‌هایشان را بر سر مرغی درمی‌آورندکه یگانه مونس آدم‌هایی تیره‌روزتر از خودشان است (همان: ۳۹۹).

دیگر داستانی که در آن حیوان در مجاورت انسان آمده است و احساس ترحم و نفرت انسان به حیوان به‌طور هم‌زمان در آن دیده می‌شود، داستان کوتاهی با عنوان «سگی زیر باران» از **نسیم خاکسار** (متولد ۱۳۲۲) است که می‌تواند درخور توجه باشد (میرعابدینی، ۱۳۸۴: ۴۵). راوی تنها و کسل در شهری که از بارش‌های پی‌درپی خیس است، سرگردان و آواره است و هیچ هم‌دم و هم‌صحبتی ندارد جز سگی ولگرد که زیر باران مانده است و همین سگ است که حس تنهایی‌اش را به کابوس تبدیل می‌کند.

داستان «سبزمثل‌طوطی،سیاه‌مثل‌کلاغ» **هوشنگ گلشیری** (۱۳۷۹-۱۳۱۶) از علاقه‌ی فردی به طوطی سخن می‌گوید. شخصیتی از داستان، خواهان یک طوطی است که با آن حرف بزند و درد دل کند اما هربار که طوطی‌ای می‌خرد تا همدمش باشد، برعکس، پرنده جز قارقاری خشک و گوش‌خراش ارمغانی برایش ندارد یا پرهایش مثل کلاغ به رنگ سیاه درمی‌آید و همین باعث دلخوری و عصبانیت بیش‌تر او می‌شود (گلشیری، ۱۳۸۰: ۳۰۵).

در فصل‌هایی از رمان «سووشون»، **سیمین دانشور** (متولد ۱۳۰۰) به گوشه‌ای از دوستی و ارتباط بین انسان با اسب می‌پردازد. صحنه‌های مربوط به این دوستی گذرا و کم‌رنگ‌اند اما در زمینه‌چینی و گسترش رمان نقش مؤثری دارند. وقتی یوسف به دِه رفته است، از خانه‌ی حاکم می‌آیند تا اسب خسرو- پسر یوسف- را برای دختر حاکم برای چند روزی به امانت ببرند. زری از سر ناچاری، بی‌آن‌که پسرش بویی ببرد، اسب (سحر) را به فرستاده‌ی حاکم می‌دهد. وقتی

حضور حیوانات در داستان فارسی معاصر، بی‌گمان بی‌شمار و فراوان بوده و در شکل‌ها و به شیوه‌های متفاوتی به‌کار رفته است

شاید هیچ نویسنده‌ای در ایران به اندازه‌ی صادق چوبک حیوانات را به داستان‌هایش راه نداده و به روان‌کاوی آن‌ها نپرداخته‌است

خسرو از شکار بازمی‌گردد، ابتدا سراغ اسبش را می‌گیرد. به او می‌گویند که سحر به خاطر بیماری مرده است. خسرو به هق‌هق می‌افتد و می‌گوید: «آخر چه‌طور ممکن است؟ هیچ کره‌ای در دنیا جای سحر را برای من نمی‌گیرد.» خسرو سر قبر ساختگی اسبش با حضور هم‌کلاسی‌هایش ختم مردانه‌ای می‌گیرد تا این‌که یک روز حیوان، در حالی که دختر حاکم را بر خود سوار دارد، با پای خود برمی‌گردد. خسرو اسبش را بر بالای تپه‌ای می‌بیند و آن را دوباره به‌دست می‌آورد. توصیف پایانی رام‌کردن اسب به دست خسرو، درحالی‌که افسرها از مهار کردن آن عاجزند، خواندنی است.

محمود دولت‌آبادی (متولد ۱۳۱۹) در «جای خالی سلوچ» صحنه‌ای از جدال انسان با حیوان مست را به نمایش می‌گذارد که می‌توان آن را یکی از صحنه‌های زیبا و به‌یادماندنی این رمان دانست. عباس، پسر مرگان، به شتربانی می‌پردازد و شترهای سردار را به صحرا می‌برد. روزی در صحرا لوکِ سیاه به ارونه‌ی پیر می‌پیچد و عباس با ضربه‌های چوب به شانه و پاچه و گیج‌گاه لوک، آن را از شتر پیر جدا می‌کند. شتر مست کینه‌ی عباس را به دل می‌گیرد و در فرصتی، سر به‌دنبال او می‌گذارد. عباس از ترس، پیش از آن‌که زیر دست و پای لوک له شود، خودش را به درون چاهی می‌اندازد اما شتر ول‌کن نیست و همان‌جا لب چاه می‌ایستد و خشم ناله سر می‌دهد. وقتی عباس به هوش می‌آید، شب شده است و می‌بیند که شتر مست هم‌چنان بی‌قرار و کف بر لب بر سر چاه نشسته.

ابن‌سینا اولین کسی است که معراج روح را از عالم خاک به سوی افلاک، در رمز پرواز مرغ و عبور او از کوه‌ها بیان کرده است

چند لحظه بعد، احساس می‌کند که ماری به سمت او پیش می‌آید؛ مار نرم‌نرم از روی زانو، شکم، و سینه و شانه و گردنش به بالا می‌خزد و عباس از فرطِ وحشت یک‌باره تمامی موهایش سفید می‌شود و اگرچه زنده می‌ماند اما دیگر شبیه به آدم‌های زنده نیست. (دولت‌آبادی، ۱۳۸۸: ۲۴۶ تا ۲۶۰).

البته باید از چند داستان کوتاه دیگر که با نگاه‌هایی متفاوت و شگردهایی دیگر نوشته شده‌اند یاد کرد؛ **بیژن نجدی** (۱۳۷۶-۱۳۲۰) در داستان «روز اسب‌ریزی» از مجموعه‌ی «یوزپلنگانی که با من دویده‌اند»، می‌کوشد تا رابطه‌ی عاطفی انسان و اسب و پیوند بین آن‌ها را نشان دهد. داستان بیان‌گر اندوه و نگرانی اسبی است که سرکشی کرده است و صاحبش، برای تنبیهش آن را به گاری می‌بندد. از یک طرف آسیه، دختر خان، با اسب پیوندی عاطفی دارد و از سویی قالاخان، صاحب اسب، برخوردی ظالمانه و سخت‌گیرانه نشان می‌دهد. نکته‌ی هنرمندانه‌ی داستان نجدی، درهم‌آمیزی چند زاویه‌ی دید و تغییر ظریف راوی از اول‌شخص به سوم‌شخص است؛ به‌گونه‌ای که گاه توصیف حوادث داستان و درون اسب را از زبان خود حیوان، و گاه از زاویه‌ی دید نویسنده، خان و دختر خان دنبال می‌کنیم.

نویسنده‌ی دیگر **رضا بابامقدم** (۱۳۶۶-۱۲۹۲هـ‌ش) است که در داستان «اسب» به از خودگم‌گشتگی فردی که چهره‌ای اسب‌نما دارد، پرداخته است. داستان «اسب» به روش یادآوری خاطرات نوشته شده است. راوی از دوست دوران دبستان خود یاد می‌کند که صورتی شبیه اسب داشته است. او به مرور بیش‌تر به اسب شباهت می‌یابد تا این‌که بالاخره اسبی واقعی می‌شود و به صحرا می‌زند.

راوی که گویا از تنهایی و بی‌دوستی در رنج است، ناخواسته و ناگزیر با انسان اسب‌نما احساس دوستی و هم‌دردی نشان می‌دهد و هرچه می‌کوشد تا دوستش را به خانه برگرداند، ناکام می‌ماند اما سرنوشت و عاقبت دوست اسب‌نما هیچ‌گاه از خاطرش بیرون نمی‌رود؛ درنتیجه، زندگی‌اش چنان با یاد او عجین می‌شود که در و دیوار اتاقش را، از عکس‌ها و تابلوهای گوناگون اسب‌ها می‌پوشاند. بابامقدم در این داستان ازیک‌طرف بیگانگی انسان با حیوان را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، رفتار ناپسند مردم را با کسانی که از نقص جسمی رنج می‌برند، نکوهش می‌کند.

داستان یادداشت‌های یک اسب نوشته‌ی **یارعلی پورمقدم** (متولد ۱۳۳۰) با بن‌مایه‌ای از نقیضه و طنز نگارش یافته است و در آن، ماجرای رستم و سهراب از نظرگاه یک اسب (رخش) روایت می‌شود.

در ادبیات کودک، حیوانات و پرندگان البته جایگاه بسیار گسترده و ویژه‌ای دارند. بی‌شک، بخش شاخص و برجسته‌ی ادبیات کودک با نقش‌آفرینی و شخصیت‌پردازی حیوانات ساخته شده است که از معروف‌ترین آن‌ها می‌توان به «ماهی سیاه کوچولو» و «اولدوز و کلاغ‌ها» نوشته‌ی **صمد بهرنگی** (۱۳۴۷-۱۳۱۸هـ‌ش) و «خروس زری، پیرهن پری» اثر **احمد شاملو** (۱۳۷۹-۱۳۰۴) اشاره کرد. هم‌چنین، نمایش‌نامه‌ی معروف «شهر قصه» نوشته‌ی **بیژن مفید** را نباید نادیده گرفت که شخصیت‌های آن در قالب حیواناتی چون سگ، خر، خرس، موش، سوسک و... نشان داده شده‌اند. «شهر قصه برای اول‌بار در سال ۱۳۴۷ در جشن هنر شیراز به روی صحنه آمد. بیژن مفید داستان نمایش‌نامه‌ی خود را بر قصه‌ی مشهور «خاله سوسکه» بنا می‌نهد و در آن خاله سوسکه و آقا موشه به‌صورت بچه‌های ده دوازده ساله ظاهر می‌شوند و شخصیت‌ها با ماسک حیوانات هستند و هریک تیپی را در اجتماع ایران نشان می‌دهد» (تاریخ کاروان حسن، جوادی، ۱۳۸۴: ۳۵۳).

یکی از مهم‌ترین داستان‌نویسان معاصر که با نگاهی ویژه به حیوانات می‌پردازد، **صادق چوبک** است. حیواناتی چون **اسب** در داستان «عدل»، **میمون** در «انتری که لوطیش مرده بود»، **توله‌سگ‌ها** در «یک شب بی‌خوابی»، **سگ ماده** در «مردی در قفس»، **گربه** در «بچه‌گربه‌ای که چشمانش باز نشده بود»، **کفتر** در «کفترباز»، **کلاغ** در «اسائه‌ی ادب» **مرغ و خروس** در «قفس»، **موش** در «پاچه‌خیزک»، **عنکبوت** در «سنگ‌صبور» و **گاو** و **بز** و یک **سگ** گرسنه در بخش‌هایی از داستان بلند «تنگسیر».

البته حضور حیوانات در داستان‌های چوبک به دو گونه دیده می‌شود؛ در دسته‌ای از این داستان‌ها محوریت با حیوان است و طرح قصه پیرامون یک حیوان جریان دارد. داستان‌هایی چون «عدل» که تصویر اسب دست و پا شکسته‌ای است که با درد و ناله در جوی آب افتاده یا «انتری که لوطیش مرده بود» که سرگذشت میمون درمانده و آواره‌ای است که صاحبش، لوطی جهان، مرده و میمون در بند زنجیر و جبرِ زندگی است. داستان «قفس» مبین حال و روز مرغ و خروس‌هایی است که در تنگنای قفس و در لجن و کثافت فرورفته‌اند و در داستان «بچه‌گربه‌ای که چشمانش باز نشده بود» محور داستان، بچه‌گربه‌ای است که در گودالی افتاده و پسر بچه‌ای در فکر بیرون آوردن آن است. داستان «پاچه خیزک» نیز بر محور موشی گرفتار در تله است که عده‌ای گرداگرد آن جمع شده‌اند تا با کشتن موش، تفریحی برای خود بسازند.

در دسته‌ی دوم داستان‌های چوبک، حیوان در کنار یک انسان ترسیم می‌شود؛ معمولاً در این داستان‌ها وابستگی غریبانه‌ای بین انسان و حیوان مشاهده می‌شود. آدم‌هایی که اغلب از همه‌جا مانده و از جامعه رانده شده‌اند و در بدبختی و فلک‌زدگی زندگی می‌کنند، وابستگی خود را به حیوانی به‌مراتب بدتر و مفلوک‌تر از خود می‌بینند.

البته عطار به غیر از منطق‌الطیر، در دیگر آثار خود، نظیر الهی‌نامه و اسرارنامه و مصیبت‌نامه، نیز حکایاتی نغز درباره‌ی آهو، باز، زنبور، گرگ، کرم، شتر و موش و صعوه دارد که هر کدام بیان‌گر رمزی از رموز عرفانی است

بنابر نوشته‌ی پژوهش‌گران و صاحب‌نظران، باید نخستین گونه‌های فابل را در سروده‌های افسانه‌ای ودا جُست؛ چه، در بیش‌تر افسانه‌ها و حکایت‌های ودا جانوران هم‌چون آدمیان سخن می‌گویند و رفتار می‌کنند

در داستان «یک شب بی‌خوابی» مردی پریشان‌خواب و بی‌حال و بیمار در غم و فکر توله‌سگ‌هایی است که مادرشان به زیر ماشین رفته و مرده است یا داستان «مردی در قفس» تصویرگر روحیه‌ی مردی است گوشه‌گیر و علیل که در غم تنهایی خود فرو رفته و تنها تعلق‌خاطر و دل‌بستگی‌اش به ماده‌سگی است به نام «راسو». نیز در رمان «سنگ صبور» احمدآقا، روشن‌فکر سرخورده و معلم بی‌چیز و بی‌چاره‌ای است که با عنکبوت گوشه‌ی اتاقش درد دل می‌کند. در بخش‌هایی از رمان «تنگسیر»، زارمحمد با گاو یاغیِ سکینه یا سگ تیپاخورده‌ی گرسنه‌ای انس می‌گیرد و غصه‌ها و درد دل‌هایش را با این حیوانات واگو می‌کند و باز در داستان «آتما، سگ من» مردی عزلت‌گزیده و بیزار از اطراف خود، ناخواسته صاحب سگی می‌شود که خلوت خاموش او را به درونی آشفته و خیال‌باف بدل می‌کند. در داستان «کفترباز» دایی‌شکری حیوان‌دوستی است که تمام دل‌خوشی زندگی‌اش انواع کبوترهای معیری، چتری، همدانی، یاهو و رسمی است.

شاید هیچ نویسنده‌ای در ایران به اندازه‌ی صادق چوبک حیوانات را در داستان‌هایش راه نداده و به روان‌کاوی آن‌ها نپرداخته است. البته روان‌کاوی و حیوانات ورود به پهنه‌ی روان‌شناسی آنان همیشه مورد کنج‌کاوی انسان قرار داشته و در قلمرو آثار ادبی همواره مورد توجه نویسندگان بوده است ولی چوبک یکی از شاخص‌ترین و تواناترین نویسندگان در کار روان‌کاوی حیوانات است. هرچند بعضی چهره‌های شاخص ادبیات ایران ازجمله **صادق هدایت** و **شهریار مندنی‌پور** درخصوص حیوان‌شناسی و راه‌یابی حیوانات به آثارشان می‌توانند در ردیف چوبک قرار بگیرند. این دو حتی در مقایسه با چوبک توجه نسبتاً بیش‌تری به حیوانات کرده‌اند.

صادق‌هدایت،نابغه‌ی‌بی‌نظیرادبیات‌ایران،که‌ذاتاًحیوان‌دوست و احساساتی بود، در یکی از بهترین داستان‌های خود «سگ ولگرد» به روان‌کاوی سگ می‌پردازد و ترحم و دل‌سوزی خود را به‌این حیوان نشان می‌دهد. «پات» سگی از نژاد اصیل، هنگامی که به‌دنبال ارضای تمایلات جنسی خود می‌رود، گم می‌شود و هرکس به نوعی آن را می‌آزارد. درواقع، صادق هدایت از زاویه‌ی دید یک سگ به زندگی سگی آدم‌ها می‌نگرد.

در آثار **شهریار مندنی‌پور** (متولد ۱۳۳۵)، نویسنده‌ی نوگرای هم‌روزگار ما نیز، کم و بیش حضور حیوانات خودنمایی می‌کند. از جهتی، حضور حیوانات در آثار مندنی‌پور به حضور و نقش آنان در آثار چوبک شباهت دارد و آن، هم‌نشینی و قرابت زیست‌گاهی انسان و حیوان است. ازجمله در داستان‌های «بشکن دندان سگی را» از مجموعه‌ی مومیا و عسل، «رنگ آتش نیمروزی» از مجموعه‌ی ماه نیمروز، داستان «بانو» از مجموعه‌ی شرق بنفشه، و «سایه‌ای از سایه‌های غار» از مجموعه‌ی «سایه‌های غار» که هرکدام به‌نوعی به پیوند و مجاورت انسان با حیوان می‌پردازد.

داستان «رنگ آتش نیمروزی» از مجموعه‌ی «ماه نیمروز»، ماجرای یک شکارچی است که پلنگی دخترش را شکار کرده است و او می‌خواهد به هر شکلی که شده، با کشتن پلنگ انتقام بگیرد اما وقتی به پلنگ نزدیک می‌شود، از کشتن آن صرف‌نظر می‌کند و با این بیان تکان‌دهنده خواننده را غافل‌گیر می‌کند: «نمی‌شد... نمی‌شود. گوشت بچه‌ام توی تنش است... نمی‌شود. خون بچه‌ام تو رگ‌هایش هست... و تا پایین کوه، بی‌صدا گریه می‌کرد» (مندنی‌پور، ۱۳۷۶: ۲۳).

در داستان «بشکن دندان سنگی را» از مجموعه‌ی «مومیا و عسل»، مردی که گویا تبعیدی است، هیچ هم‌دم و انیسی ندارد، جز سگی که مورد نفرت و حمله‌ی اهالی روستاست (این مضمون، یعنی تنهایی و بی‌کسی آدم‌ها و پناه‌بردن او به حیوانات در داستان‌های چوبک فراوان است) و او با فداکاری سعی در محافظت از حیوان دارد «اما حمله‌ی اهالی محل به سگ بی‌دفاع، سَم دادن به آن، به دار آویختن و به آتش کشیدن آن در حالی که حیوان مستأصل روی زمین خوابیده، دست‌هایش را روی چشم‌هایش گذاشته است، هر انسانی را از انسانیت خود شرمنده می‌کند» (اولیایی‌نیا، ۱۳۷۹: ۲۸۷). در جریان این داستان، مقایسه‌های زیادی بین انسان و سگ صورت می‌گیرد. داستان «بشکن دندان سنگی را» در مفهومی استعاری بیان‌گر آن است که گاه انسان در درنده‌خویی و خشونت از حیوان سبقت می‌گیرد. خشونت و سنگ‌دلی انسان در این داستان، یادآور حیوان‌آزاری در داستان‌هایی چون «سگ ولگرد» هدایت، «انتری که لوطیش مرده بود» صادق چوبک، و قصه‌ی پنجم عزاداران بیل غلامحسین ساعدی است.

در داستان دیگری از شهریار مندنی‌پور با عنوان «سایه‌ای از سایه‌های غار» از مجموعه‌ی «سایه‌های غار»، شاهد نزدیکی انسان با حیوان هستیم. خانه‌ی آقای «فروانه» در مجاورت یک باغ‌وحش است و بو و سر و صدای حیوانات باغ‌وحش او را می‌آزارد. از میان ساکنان مجتمع آپارتمانی، او تنها کسی است که اعتراض می‌کند. وی درباره‌ی حیوانات تحقیق می‌کند و حتی مجموعه‌ای از کتب زندگی حیوانات تهیه می‌کند و با دوربینی حرکاتشان را زیر نظر می‌گیرد. میله‌ای مقابل پنجره‌ی اتاقش می‌کشد و در واقع خود را هم‌چون حیوان گرفتار قفس می‌کند اما دیگران او را درک نمی‌کنند و اعتراضش را ناشی از دیوانگی می‌پندارند. تا این‌که آقای فروانه در عزلت و غربت می‌میرد و بوی تعفن او همه‌جا را فرامی‌گیرد اما مفهوم کنایی و استعاری داستان قابل تأمل است. به قول **هلن اولیایی‌نیا**، منتقد آثار مندنی‌پور «کنایه‌ی داستان، یعنی تبدیل انسانی

چون «فروانه» که مدعی دو آتشه‌ی انسانیت است، به حیوانی در قفس، با تصاویر حیوانی در داستان عجین می‌شود. درجای‌جای داســتان، «فروانه» به حیوانات تشبیه شده است» و باز به قول همان منتقد، «داستان، یادآور مضمون داستان کوتاه **کافکا** به نام «هنرمند گرسنگی» است که جای انسان هنرمند را حیوانی درنده پر می‌کند؛ بدون این‌که کسی از فقدان انسان دچار اندوه شــود. بدین ترتیب، فروانه که خود از تصور هبوط از شــأن و هویت انسانی بر خود می‌لرزید، به حیوانات غار می‌پیوندد و خود سایه‌ای می‌شود از سایه‌های غار» (همان: ۲۷۵ و ۲۷۶).

به‌هرحال، حضور حیوانات در کنار شــخصیت‌های انسانی آثار مندنی‌پور، رنگی نمادین و استعاری دارد. انسان‌ها خویی اهریمنی دارند و گاه تا حد درنده‌خویی تنزل می‌کنند.

پی‌نوشت

۱و ۲. دانش‌نامه‌ی ادب فارسی، حس انوشه، ذیل واژه‌ی «فابل».

۳. کارتون‌هایی چون پلنگ صورتی، بامزی، قوی‌ترین و مهربان‌ترین خرس دنیا، تام و جری، بنر (داستان سنجاب خاکستری)، پسر شجاع، رامکال (۵۲ قسمت)، هم‌زیستی انسان و حیوان را نشان می‌دهند. بل و سباستین، ماجراهای پینوکیو، رابین‌هود، دهکده‌ی حیوانات، گوریل‌انگوری، و کارتون‌های فراوان دیگر از خاطره‌انگیزترین و جذاب‌ترین فابل‌های کارتونی هستند.

از میان تولیدات ایرانی می‌توان از شهر موش‌ها، مدرسه‌ی موش‌ها، و خونه‌ی مادربزرگه یاد کرد که از فیلم‌های موفق عروسکی هستند که حیوانات در آن‌ها نقش محوری دارند. این فیلم‌ها در یاد و خاطره‌ی بسیاری از کودکانِ سال‌های نه‌چندان دور باقی مانده‌اند.

۴. شاید پرندگان بیش از حیوانات دیگر در آثار عرفانی و تمثیلی زبان فارسی نقش داشته باشند. تقی پورنامداریان در کتاب ارزش‌مند رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی در بخش «پرنده، رساله‌الطیرها» درباره‌ی سفرهای روحانی از این‌که در رمز، پرنده یا پرندگانی مثل شده‌اند، به تفصیل سخن گفته و در بیانی تحلیلی، داستان مرغان و گونه‌های مختلفش را نشان داده است. سفرهایی که «نفس یا روح انسانی به‌صورت مرغی مجسم شده است که سفر یا معراج روحانی نفوس بی‌باکی را که دست به این سفر پر خطر زده‌اند، تصویر می‌کند.»

۵. کلیله و دمنه، تصحیح مینوی، ۲۰۲.

۶. الگوری (Allegory). الگوری از ریشه‌ی الگوریای یونانی به معنای طوری دیگر سخن گفتن است. الگوری شیوه‌ای بیانی است که در آن، یک شخص، یک عقیده‌ی مطلق یا یک واقعه، هم نشان‌دهنده‌ی خودش است و هم نشان‌دهنده‌ی چیزی دیگر. الگوری را می‌توان به‌عنوان «استعاره‌ی گسترده» تعریف کرد (تقوی، ۱۳۷۶: ۹۰).

۷. صادق هدایت ضمن تنفر و پرهیز از گوشت‌خواری، در کتاب فواید گیاه‌خواری به‌ویژه در مقاله‌ی «انسان و حیوان» سرسختانه و با تمام احساس به دفاع از حقوق حیوانات پرداخته است. او در مقایسه با حیوانات که باهوش، مهربان و بی‌آزارند، هم‌نوع خود را خودپسند، سنگ‌دل، ناپاک و خون‌خوار می‌شناساند و این «مجسمه‌ی اخلاق» و «شاهکار خلقت» را مظهر سنگ‌دلی و سبعیت می‌خواند. انسانی که برای جاه‌طلبی و خودخواهی خود یک جانی، یک ظالم، یک راهزن و یک جلاد تمام‌عیار است (مراجعه شود به نوشته‌های پراکنده‌ی هدایت، مقاله‌ی «انسان و حیوان»، ص ۲۸۶ به بعد).

منابع

۱. اصلانی، محمدرضا؛ **صادق چوبک** (چهره‌های قرن بیستمی ایران)، چاپ اول، نشر قصه، ۱۳۸۳.

۲. اولیایی‌نیا، هلن؛ **داستان کوتاه در آیینه‌ی نقد**، اصفهان، نشر فردا، ۱۳۷۹.

۳. پورنامداریان، تقی؛ **رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی**، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۷۵.

۴. تقوی، محمد؛ **حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی**، انتشارات روزنه، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۵. جوادی، حسن؛ **طنز در ادبیات فارسی**، کاروان، ۱۳۸۴.

۶. چوبک، صادق؛ **انتری که لوطیش مرده بود**، کتاب‌های جیبی، انتشارات جاویدان، چاپ سوم، ۱۳۴۴.

۷. چوبک، صادق؛ **تنگسیر**، انتشارات جاویدان، چاپ ششم، ۱۳۷۷.

۸. چوبک، صادق؛ **چراغ آخر**، انتشارات جاویدان، چاپ اول، ۱۳۴۴.

۹. چوبک، صادق؛ **خیمه‌شب‌بازی**، کتاب‌های جیبی، انتشارات جاویدان، چاپ چهارم، ۱۳۵۱.

۱۰. چوبک، صادق؛ **روز اول قبر**، کتاب‌های جیبی، انتشارات جاویدان، چاپ پنجم، ۱۳۵۴.

۱۱. چوبک، صادق؛ **سنگ صبور**، انتشارات جاویدان، چاپ پنجم، ۱۳۵۶.

۱۲. درویشیان، علی‌اشرف؛ **یادمان صمد بهرنگی**، انتشارات کتاب و فرهنگ، ۱۳۷۹.

۱۳. دولت‌آبادی، محمود؛ **جای خالی سلوچ**، چشمه، ۱۳۸۸.

۱۴. گلشیری، هوشنگ؛ **نیمه‌ی تاریک ماه**، انتشارات نیلوفر، ۱۳۸۰.

۱۵. مندنی‌پور، شهریار؛ **ماه نیمروز**، چاپ اول ۱۳۷۶، نشر مرکز.

۱۶. میرصادقی، جمال؛ **ادبیات داستانی**، انتشارات سخن، چاپ سوم، ۱۳۷۶.

۱۷. میرعابدینی، حسن؛ **صدسال داستان‌نویسی**، تهران، نشر چشمه، ۱۳۷۷.

۱۸. میرعابدینی، حسن؛ **هفتاد سال داستان کوتاه ایرانی**، انتشارات کتاب خورشید، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۱۹. هدایت، صادق؛ **زنده به گور**، انتشارات جاویدان.

۲۰. هدایت، صادق؛ **سگ ولگرد**، چاپ هفتم، ۱۳۴۲، انتشارات امیرکبیر.

۲۱. هدایت، صادق؛ **سه قطره خون**، چاپ هشتم، ۱۳۴۴، کتاب‌های پرستو.

۲۲. **دانش‌نامه‌ی ادب فارسی ۲**، به سرپرستی حسن انوشه، ۱۳۷۶.

۲۳. **مجله‌ی الفبا**، سال ۵۶، شماره‌ی ۴، به سردبیری غلامحسین ساعدی، (طنز و انتقاد در داستان‌های حیوانات، حسن جوادی).

۲۴. **مجله‌ی بایا**، ش ۴ و ۵، سال ۱۳۷۸.

۲۵. یاد چوبک، به کوشش علی دهباشی، چاپ اول، نشر ثالث، ۱۳۸۰.

شیخ اشراق که به‌راستی قصه‌نویس چیره‌دستی است، در اثر دیگری با عنوان قصه‌ی مرغان، که ترجمه‌ای از آثار ابن‌سینا یا امام محمد غزالی است، به ماجرای مرغانی می‌پردازد که «ابتدا به دام می‌افتند و پس از رهایی و عبور از کوه‌های نه‌گانه، به پیشگاه مَلِک می‌رسند»